پرچم

ارگان فیض - کلکسیون پرچم اعدا به آنهایی که پرچم مبارزه را برافراشته نگاه داشته اند

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (ششم) ۲۹ حمل ۱۳٤۷ هـ ۱۸ اپریل ۱۹٦۸ ع

راه غیر سرمایه‌داری

راهیست بسوی آزادی وخوشبختی خلقها

پیروزی عظیم جنبش آزاد یبخش ملی و پیدایش دو لتهای جدیدیکه به استقلال سیاسی نایل گردیده‌اند، سیمای جهان استعماری را دگرگون ساخت. جهان درمرحله نوین‌وعالیتر انقلابهای خروشان رهائی بخش ملی گام نهاد وامکاناتی بوجود آمد که این جریانها عمیقاً به انقلابهای ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری جهانی بدل گردند. هدف این موج نیرومند جنبش انقلابی، استقلال اقتصادی وترقی اجتماعی است.

انتخاب راه رشد غیرسرمایه‌داری از طرف یك سلسله از کشور های مستقل نو بنیاد آسیائی وافریقائی، یکی ازحوادث مهم‌این‌جریان انقلابی جهانی را تشکیل میدهد. اتخاذ این‌راه رشد در دوران کنونی جنبش‌آزادیبخش ملی ناشی از ضرورت عینی ایست‌که با او ضاع و احوال داخلی و بین‌المللی این کشور ها ارتباط دارد.

مبارزه نجات بخش ملی به پیش میرود :

تنها با احراز استقلال سیاسی، مبارزه نجات بخش ملی بپایان نمیرسد. کشور های مستقل‌نوبنیاد باتشکیل دولت های ملی، برای استقلال اقتصادی وتقویت استقلال سیاسی، د لیرانه و پیگیر مبارزه میکنند.

خلقهای کشور های که در ظاهر امر مستقل انـد ولی عملا در قید وا بستگی سیاسی و اقتصادی انحصارات سر ما یه داری بیگانه بسر میبر نـد ، بـه مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم ها ی ارتجاعی هوا دار آن پا خاسته اند.

نیرومندی روزافزون سوسیالیسم وضعف امپریالیسم به مقیاس‌جهانی به خلقها ی کشور های آسیا ئی افریقایی و امریکای لاتین امکانات وسیعی را میسر میسازد تابه تجدید حیات ملی خود بپردازند وبه فقر وعقب ماندگی دیرینه پایان بخشند وبه استقلال اقتصادی نایل آیند. ولی شرط اساسی نیل به استقلال اقتصادی، عبارت از مبارزه پیگیر علیه امپریالیسم و سرمایه داری جهانی است . چـه امپر یا لیسم باشیوه‌ها و اشکال نوین استعماری کو شش میکند تا مستعمرات سابق وکشور های نیمه مستعمره را درقید سیستم اقتصاد بُرمایه داری جهانی نگهدارد .

عمده ترین شیوه و شکـل نوین استعمار، توطئه ونقب‌گذاری‌وتعرض امپریـالیستها در عـرصه اقتصادی است. امپریالیستها به بهانه «کمك» به کشور های کم رشد آسیاوافریقا تشویق راه رشدسرمایه داری، تقویه

(ص۲)

امنیت عامه وطبقات حاکمه

محافل حاکمه ازتجاعی،غالبامفهوم«امنیت عامه» را وقتی عنوان کرده‌اند که منافع طبقاتی شان در خطرافتاده‌است وبا استفاده ازاین سلاح‌آماده، جلو هرگونه نهضت وجنبش‌رابرای‌حفظ مواضع ستمگرانه وبقای تسلط خویش، سد نموده اند .

مثلا هرگاه فردی ویا گروهی ازعناصر وطن‌پرست، بخاطر تا مین آزادیهای‌دموکراتیك‌وحفظ حقوق‌مردم‌علیه بیداد گری‌ها وستم های‌بیشمار طبقات حاکمه بپاخاسته وبمبارزه‌پرداخته‌اند، فوراً سرپنجهٔ امنیت ـ عامه(!) گریبان‌شانرا گرفته‌ورهسپارشکنجه گاها گردیده اند .

همچنان‌اعمال ضدقانونی‌مانندقیودات‌دربرابر آزادی فکروبیان واجتماعات جـزا های مخالف کرامت انسانی،مجا زات بـدون محا کمه عـلنی و حضوری، توقیف های خلاف‌قانون،تعذیب های تحمل شکن، تعقیب ها، تعرضات‌به مسکن اشخاص، تجاوزبه‌آزادی ومحرمیت مخابرات مردم،ظلم وستمگری متنفذین‌ومستبدین محلی،رشوه ستانی ماموران‌بی رحم، قتل‌و تجاوز، سوزاندن دهقانان بی دفاع،دزدی وسرقت، کار های اجبا ری ، تحمیق واستثمـار مـادی ومـعنوی‌زحمـتکشان بـه اشکـال مـختلف سالهاست که خلقهای کشور را درمـنجـلا ب و ضـع ر قـت با ر ی نگهداشته است .

کـپا فیسـت گـفته شـو د«ضبط احوا لات» وسا یر دستگاههای استخباراتی وجاسوسی فعال‌مایشاءکشور عمر ها ست چون هیو لا ی وحشتناکی بر زند گی خلقها ی ماسایه افکنده وعمال آنها چون شبح هراس انگیزی به تعقیب عناصر ملی‌ووطنپرست می پردازند وبر ضـد ابتدا ئی ترین حقوق وآزادیهای مردم‌عمل می نمایند و بالای توده هـای وسیع زحمتکشان دردهات وشهرهاستم‌ها ومصائب‌غم انگیزی راتحمیل میکنند .

این وقایع، هرروز در کشو ری‌اتفاق می افتد که محافل حا کمـه سیاسی‌آن، سالهاست‌داد ازامن عامه‌و« کر ا مت بشـر ی » میز نـنـد در حالیکه امنیت وکرامت تنها برای‌متنفذین‌ومستبدین وجوددارد، نه‌برای

«ص۲»

در کشورهای کم رشد سکتور دولتی اقتصاد خصلت آشکار ضدامپریالستی دارد

دشوار تـر ین و پیچیده تـر یـن وظائفی که درپرابر ملل کشور های کم‌رشد قراردارد‌وظائف چندین‌جانبه اقتصادی واز آنجمله تقویه وتکامل سکتور دولتـی اقتصاد است کـه خصلت ضد امپـر یـالیستی دارد. بعضیها سکـتور دولتی اقتصاد را در کشور هـای کـم رشد غا لبـا سرمایه داری دولتی یا «سرمایه‌داری بیروکرات ... (!) » تعریف میکنند. چنین تعریفی برای دوران تکامل غیر سرمایه داری بسیار کلی‌ومبهم است. معهذا اگر اصطلاح سرمایه‌داری (کاپیتالیسم) دولتی‌را نیز بکاربریم، بازهم درینجا تذکر این‌نکته ضروری است کـه سرمـایـه داری دو لتـی در کـشور هـای د ر حـال رشد، بـا سرمایه داری انحصاری دولتی در کشور های امپریالیستی تفاوت دارد . در کشور هـای کـم رشد، سرمایه داری دولتی وشکل نخستین وعمده آن‌یعنی سکتور دولتی‌اقتصاد هم وسیله مبارزه با انحصار هـای امپر یـالیستی و اقتصاد استعماری درین کشور ها ست و هم وسیله رشد سریع اقتصاد ملی وپیشروی در راه استقلال اقتصادی. بخصوص در کشورهائیکه مناسبات سرمایه ـ داری در آنها قوام نگرفته است، امکانـات وسیعی و جود دارد کـه از سکتور دولتی به نفع مردم وبرای ایجاد بنیاد اقتصادی استقلال ملی و دمـوکـراسی سیا سی استفاده بعمل آید .

باید خاطر نشان کرد که دریـن کشورها سکتور دولتی اقتصادهنوز سوسیالیستی‌نیست، ولی‌سرمایه ـ داری هم بوده نمیتواند، یعنی‌خصلت انتقالی دارد و امـکاناتی را بوجود میآوردکه بدون‌طی مرحله سرمایه ـ داری پایه های مادی وفنی نظام‌نوین اجتماعی ایجاد میشود .

این حرف درست است که اغلب کشور ها ی نـو استقلا ل آسیائی وافریقائی به خطر جدیدی مواجـه استند، موضوع بحث ما بورژوازی بیروکراتیك یا به اصطلاح « مـلاك بیروکرات وتاجربیروکرات» است‌که بااتحلاس ورشوه ستانی کیسه های خودرا پر میکنند ، پیکر اقتصادی اینکشور هارا ضعیف تر میسازند، پول های فـراوان را بخارج انتقال میدهند ومنافع خودرا باامپریالیسم درمیآمیزند. بـورژوازی رشوه ده، با ریخته کـردن در دستگـاه دولتی و در سازمـانهای اقتصادی چـون وخفاش خون آشامی شیره‌حیاتی‌پیکر جوانی راکه هنوز قوام نیافته است، میمکد.، مرتجعین میخواهند همیشه سکتور دولتی را در برابر سکـتور خصوصی بی‌اعتبار سازند وقسمتی ازآنرا دستبردزنند، حاصلدهی‌کاررا پائین آورند وکارگران را تحت‌فشار قراردهندوکیفیت‌وکمیت محصولات‌را خرابتر سازند و سپس آنرا برپایه اقتصاد سرمایه داری تغییر ما هیت دهنـد . بدینترتیب رشد وتکامل اقتصاد وجنبش ضد امپریالیستی‌را دچار وقفه نمایند .

ازرنجاع بازرنگی و مهارت تمـام باتبلیغات تیپ بورژوائی سعی‌میکند که ازینوضع ، سوء استفاده نموده واز طریق نمایندگـان خـود اعلام دارد‌که سکتور دولتی‌برای‌رشدسریع اقتصاد نمیتواند سرمشق و نمونـه باشد. بنابه ادعای مرتجعین و عمال استعمار نوین «سکتور دولتی‌اقتصاد بیشتر مظهر اسراف وتبذ یر و بی ثمری اقتصادیست» و گویا موجب بیکاری و علت اصلی فقر وجهل وبیماری میگردد‌وتقویه سکتوردولتی اقتصاد وابستگی مارا به امپریالیسم ... بار میآورد .

از آنجا نیـکه سکـتور دو لتـی درکشور های کـم رشد ماهیت ضد امپریالیستی وضد فئودالـی دارد ، امپریالیسم و محافل ارتجاعی تلاش مینمایند که آنرا بی‌اعتبار سازنـد. بنابران «مبارزه درراه تقویت‌وتکامل سکتور دو لتی یکی از مهمترین وظایف ... نیروهای مترقی است‌که درراه دموکراسی‌ملی مبارزه‌میکنند». باید تذکـر دادکـه حتی در یکعده از کشور های آسیائی وافریقائـی (جمهوریت متحد عربـی، سوریه ، الجزایر، مالی، گـینی ، برما) کـه د موکـراسی ملی هنوز به پیروزی نرسیده، اما سکتور دولتی خصلت آشکار ضد امپر یـالیستی خود را نشان داده است و سکتور دولتـی

(ص۳)

من از مبارزهٔ طولانی د ر شرایط‌متفاوتی آموختم‌که:
هرگز در مسایل اصولی‌گذ شت‌نکنم .
همیشه در چهرهٔ واقعیت بنگرم . بتودهٔ مردم، اعتـماد ی اسـتـوار داشته باشم .
سعادتی بالا تر از آن نیست که‌سرنوشت شخص ، باسر نـو شـت خلقش، که رهایی بخش انسـانیت‌است، در آمیزد .
سعادتی واقعی تـر از آن نیست‌که، شخص‌به نبرد خویش ادامه‌دهد.
غروری بجاتر ازایـن نیست که،مشعل فروزان‌معرفت‌نوین را، بدست نسل بالنده بسپریم .
به‌پیروزی‌بهره دهان‌بربهره‌کشان، ایقانی‌تزلزل ناپذیر داشته باشیم.
خورسندی وجدانی، عالی‌تر از آن‌نیست که در جهت تاریخ وتـر قی، ورهایی بهره دهان وستمکشان،گام‌بر داریم .

«م.ت»
انتخاب م.ن

خلق و یتنام در راه آزادی ملی

صلح‌وتمامیت ارضی‌خود دلیرانه پیکارمیکنند

ملت قهرمان ویتنام مصمم است به پیکار عادلانهٔ آزادی بخش ملـی خود ،بخاطرآزادی کامل‌ملی ،وحدت مجدد و بی طرفی سر زمین خو یش تا سر حد پیروزی‌نهائی ادامه‌دهد، قوای پیکرانه را از خاك خود بیرون کند ، سر نـوشت آینده خـود را خود تعیین نماید وباهمهٔ ملل‌جهان، بدون در نظر داشتن رژیـم هـای اجتماعی شان ، مناسبات دوستانه داشته باشد . ولـی دربرابـر آن، امپر یالیزم بین المللی می خوا هد در زیـر پرده حمایت از حکو مت دست نشانده خو یش در سیگو ن ویتنام جنوبی را به پایگاه نظامی خویش مبدل سازد و شیوه خا ص زندگانی امریکائی را بر مردم آ ن تحمیل نماید وبدینوسیله راه‌پخش نفوذ سیاسی ، اقتصادی ونظا می خود رابسوی تمام‌حوزه جنوب ـ شرق آسیا باز کند واز آن در راه حفظ و تحکیم پایگاه های نظامی خویش در بحرالکاهل وبحر هنـد استفاده نماید . برای رسیـد ن بـه این هدف است کـه امپریا لستها جنگ ظالمانه ایرا بر مردم ویتنا م تحمیل نموده و دامنه آنرا روز تـا روز وسعت میدهند. بقول ستیفن ـ ینگ سناتور امریکایی جنگ ویتنام «بیش از نصف قوای هوائی اضافه از دو بر سه قوای زمینی و نصـف قوای بحری امریکا» را به خودجذب نموده است، که اگر نیروی متحدین آنرا برآن بیفزائیم ، بیش از یك ملیون و چند صد هزار عسکرمسلح ومجهز یا عصری ترین سلاحها و تجهیزات نظامی وارد میدان جنگ گردیـده اسـت . از آنجائیکـه امپر یالیزم در برابر جنبش آزادی‌ـ بخش ملی مردم ویتنام وافکار عامهٔ تمام بشریت مترقی و صلح خـوا ه (به شمول‌خلق صلحدوست‌امریکا) می جنگد ، هرگز مـوفق نیست و نخواهد شدکه راه‌وروش خـا صـ زندگانی خود را بـر مـردم ویتنام تحمیل نماید . چه ملت ویتنام که درنبردخونین‌وآتش‌مبارزه‌باستعمار وامپر یالیزم پرورش یافته ، هرگز در برابر تجاوز مغلوب نمی شود و نباید از چنین ملتی انتظار تسلیم‌در برابر قوت را، ولو هر قدر بـزرگ باشد ، داشت .

برای امپر یالیزم یگانه راه بیرون شدن از لجن زار جنگ وانید‌یکه در ویتنام براه انداخته است اینستکه: ـ بمبارد‌مان جمهوری دموکرا تیك ویتنام را قطع نماید .

ـ جبهه آزادی ملی ویتنام جنوبی بحیث نماینده‌اکثریت‌مردم‌برسمیت شناخته شود .

ـ مذاکرات حل صلح جـوبانـه مسأله ویتنام‌بدون تعلل و بلافاصله شروع گردد .

ـ قوای پیکانه طبـق معا هـده ۱۹٥٤ ژنیو از سر زمیـن ویتنام بیرون کشیده شوند .

ـ راه برای وحدت مجدد صلـح جویانه و بـی طرفی ویتنام هموار گردد .

درغیرآن‌ازیك‌سو ادعای‌آمادگی‌برای مذاکرات صلح«در هر جا وهروقت» واز طرف دیگر امر احضار ده هـا هزار عسکر تازه دم و اعزام آنرا به ویتنام صادر کردن ومذاکرا ت صلح را به بهانه های مختلف بـه تعویق انداختن ، هیچ نتیجه‌ای‌برای امپریالیزم بار نخواهد آورد ، زیرا خلـق ویتنام و مـردم صلحدوست جهان دیگر باین مانور ها کـا ملا آشنائی دارند .

اگر صادقانه در راه تامین صلح تلاش صورت نگیرد وامپر یا لیزم دست ازتجاوز برندارد‌واین بارنیز‌در پس پرده تبلیغات‌آمادگی برای‌صلح ومذاکره، دامنه‌تعرض وسیعتر‌گردد ملت ویتنام جز ادامه جنگ عادلانه خویش علیه تجاوز ، چاره دیگر ی نخواهـد داشـت . ومتجاوز جـز شکست ورسوائی حاصل دیگر ی بدست نخواهد آورد .

(بهیر)

هرگز نمرد ....

استاده ام، فراز پلی، برکمانه‌ها
گسترده ام نظر،
تا دامن افق ،
آنجاکه آسمان هری تاکرانه ها
گویی بخون نبشته حدیث‌زمانه‌ها
وزعصرهای‌طی‌شده گویدفسانه‌ها

* * *

شامستی‌خاموشی،ودل‌ودردهای‌من
بامستی وخروش
باشور بیکران
راه افق گرفته به‌بال صدای من
وزشیون شکستن زنجیر های من
جان میدمد بخاك هربوانوای من

* * *

در رنگهای مغرب زیبای این دیار
خوانم حدیث خون
خونیکه رفته است
در باستان ز مان زرگ مردمان‌پار
تابر کشد باوج فلك کاخ اقتدار
از بهر آرزوی یکی‌مرد نابکار .

* * *

زانسو شب‌سیاه‌چو دیوی‌زخاوران
بروادی خموش
بر بستر هری
یعنی‌برین‌هرات، برین‌شهر باستان
دامن کشد بنفع گروه ستمگران
پنهان کند فجایع‌تاراج بیگ‌وخان

* * *

هربو که باد آورداز دشت‌سوی‌من
از سبزه یازگل
از بته یاز خار
فریاد حسرتیست‌که آید بسوی من
رنج نگفته ای که‌کند جستجوی‌من
آه فراهشیست که خیزد بسوی‌من

* * *

هر قاتلیکه دست بدین‌مرز یافته
آنگه، بکام خویش
در ظلمت هوس
سوزیده عالمی ویکی شهر ساخته
اوکام ناگرفته، بروخصم تاخته
سر ها بباد رفته وکاشانه باخته

* * *

هر فاتحیکه آمده، گویی‌که طفل‌خام
در لحظهٔ فراغ ،
در راه کاروان،
بگذاشته زریگ بیابان بنای بام
باد زمانه آمده برکنده اش تمام
نی‌نقش‌خانه‌مانده‌بجای‌ونه‌نقش‌گام

* * *

لیکن هنوز مردمك شهرهاهرات
استاده جابجا
آرام واستوار
یعنی نگشته محو زغارتگر زمان
از جانرفته از ستم‌وقهرفاتحان
دارد هنوز مردم آگاه وقهرمان

* * *

شمشیرجابران‌نتوان‌کشت‌روح‌خلق
بر وادی هری
تاریخ شا هد است
آمد هزار موج ونجنبید کوه خلق
هرگزنمرد زیرستمها گروه خلق
پاینده باد زندگی پر شکوه‌خلق.

«سلیمان لایق»

کاراجباری

خبر نگار پر چم از ولسوالی دولت آباد ولایت بلخ اطلاع میدهد کـه مامورین آن ولسوالی خـلا ف ماده سی‌وهفتم قانـون اساسی، یکهزارو چهارصد وسیزده نفر ا ز دهقانان زحمتکش واهالی تهید ست چهل وهشت قریه خرد و بزر گ رادرآغاز سال‌جاری، بدون پرداخت دستمزد، طی چندین‌روز پیهم،مجبور به بیگار نموده وبالای د هقا نا ن ستمکش آن گوشه کشور، روزانـه نه ساعت کـار شاقـه را تحـمیل کر د ه اند .

کارکنان پرچم این روش مامورین حـکومت را یـك عمـل ضد قانون تلقی کرده، معتقد اندتا زحمتکشان کـلیه اقوام کـشور درراه تعمیم و تعمیق دموکراسی وتطبیق ارزشهای دمـوکـراتیك قانون اساسی مبارزه نه نمایند . هر گـز از قید متنفذین محلی‌ومحافل‌حاکمه وازرنج‌بیگاروکار های شاقه رهایی نخوا هند یا فت .

اعتصاب شاگردان

شا گردان تخنیك عالی درجریان دوهفته اخیر بغرض دفاع پاره‌ئی از مطالبات صنفی خود پنج روز پیـهم اعتصاب کردند و ضمن تظاهـرات آرام ومنظمی بولسی جرگـه رفـته‌شکایات خـودرا بمقا مات مسؤول سپر دند .

پرچم انتظـار دارد تادر مـور دمطالبات صنفی شاگردان تخنیك‌عالی بـرخورد جـدی صـورت گیـرد وتسهیلات لازم بخاطر ارتقای سطح تحصیلات تخصصی فرزندان کشور فراهم گردد .

پرچم

به دو زبان پښتو ودری فعلابروزهای پنجشنبه نشر می شود

سال تاسیس : حوت ۱۳٤٦

صاحب امتیاز و مدیر مسؤول : سلیمان «لا یق»

آدرس : غوثی مارکیت محمد جانخان واټ کابل ـ افغانستان

نمبر حساب جاری جریده: ۳۸٥۳ پښتنی تجار تی بانك.

ا شتراك

مر کز: سا لانه ۱۰۰ ـافغانی ولایات و پښتو نستان: سا لانه ۱۱۰ـ افغانی

خارج کشور : سا لانه ۱۰دالر

قیمت یك شماره: ۲ـا فغانی

دولتی مطبعه

از «ص اول»

راه‌غیرسرمایه‌داری ...

فروش بگذارند.

همچنان نکتهٔ مهم اینست که راه رشد سرمایه داری مسأله آن کشورهای کم رشد را که هماناجبران عقب ماندگی نسبت به کشور های پیشرفته است حل نمیکند. شکاف عمیقی میان کشور های کم رشد وکشور های پیشرفته وجود داردکه بورژوازی ملی ویا «تاجران ملی» ناتوان این کشور ها قادر نیستند راهی راکه کشورهای صنعتی درطول دوتاسه قرن طی کرده اند، در مدت کوتاهی بپیمایند. توده های مردم‌نیز حاضر نیستند که صدها سال برای بهبود وضع زندگی مادی وفرهنگی خود انتظار بکشند.

پس سوال اساسی در اینجاست که چه باید کرد وکدام راه رشد را انتخاب نمود؟ برای پاسخ باین‌سوال ببینیم که راه رشد غیر سرمایه‌داری و رسیدن به «هدف غائی» برای خلقها چه ارمغان میآورد ؟

راه رشد غیر سرمایه داری :

راه رشد غیر سرمایه داری، دروجود شکل دولت دموکراسی‌ملی، راهیست که درمرحله کنونی جنبش آزادیبخش ملی بقایای استعمار را ازکشور های کم‌رشد محو میسازد، تسلط امپریالیسم را ریشه‌کن‌میکند، انحصار های سرمایه داری را طرد می‌نماید، صنایع ملی‌راازحدات میکند، نظامات و بقایای فئودالی را ملغی میسازد، اصلاحات اساسی ارضی‌را بشرکت‌همهٔ دهقانان وبنفع دهقانان انجام میدهد، ترقی اجتماعی راتأمین میکند وسر انجام امکانات ساختمان مبنای مادی وفرهنگی انتقال‌به‌مرحله سوسیالیسم یعنی « هدف غائی» را تدارک میبیند و در این مرحله (هدف غائی) است که راه خلقها بسوی آزادی وخوشبختی باز میگردد. دیگر این راه، راهی است‌که «اعتلاسریع اقتصادوفرهنگ را تأمین میکند ، کشور عقب مانده بی‌را ، نه درطول قرنها بلکه درطول زندگی یك نسل، بکشور صنعتی مبدل میساز د . اقتصاد سوسیالستی که از روی پلان انجام میگیرد، بنابر سرشت خود اقتصاد اعتلا وشگفتگی است. محو استثمار انسان از انسان، به تا برابری اجتماعی پایان می‌بخشد ، بیکاری بطور کامل در جامعه از بین میرود، ...کلیه دهقانان‌را ازلحاظ زمین‌تأمین میکند، درتوسعه اقتصادیه آنهاکمك میرساند، آنهارا بر اساس داوطلبی درکئوپراتیف ها متحد میکند، فن زراعت مترقی‌وعلم‌زراعت رادراختیار آنان‌میگذارد، کاردهقانان ثمربخش‌تر میگردد و زمین حاصل بیشتری میدهد ... سطح زندگی مادی و فرهنگی طبقه کارگر و تمام زحمتکشان را به سطح عالی ارتقا میدهد ... توده‌های مردم راازنادانی وجهالت بیرون میکشند و آنهارا بافرهنگ معاصر آشنا میسازد. دربرابر روشنفکران‌افق وسیعی‌برای کار خلاق بنفع خلق پدید میگردد.»

این امر که مستعمرات سابق که اکنون دارای استقلال سیا سی اند ازاین دوراه رشدکدام راه را انتخاب کنند، منوط است به چگونگی‌تناسب قوای طبقاتی درین کشورها .

« راه تکامل غیر سرمایه داری درنتیجه مبارزه‌طبقه‌کارگر، توده‌های مردم وجنبش د موکراتیك همگا نی تامین میگردد وچنین راهی بامنافع اکثریت ملت مطابقت دارد» .

تصریح این امر ضروریست که تعقیب پاره یی از عد فها ومقاصد درزمینه راه رشد غیر سرمایه داری بعنوان «سو سیالیسم» در بعضی از کشور های کم رشد آسیائی وافریقایی از سوسیالیسم علمی‌بدور میباشد، ولی آنچه مهم است اینست که این جریانات و نظرات درآتش پیکا ر خونین با امپریالیسم پدید گشته و مجتوی دموکراتیك همگانی «ضد امپریالیستی نوع جدیدمیباشد که هدفش‌محو تمام‌بقایای فئودالیسم و مناسبات طائفه ای وقبیله ای است» .

روی این حقایق امپریالیسم‌وعمال سیاه وزرنگ استعمار نوین پیوسته دشمن تعقیب‌راه رشدغیر سرمایه – داری درکشور های کم رشد آسیائی وافریقایی بوده وسعی میکنند که از بسط وتوسعه آن بجهت هدف غائی جلوگیری نمایند .

درخاتمه این نظر اجمالی وفشرده بردو راه رشد، خاطر نشان میگردد که راه غیرسرمایه داری ازنظرمفهوم تاریخی خود، جریانیست انقلابی که بنابر تغییر درشرایط معاصر جهان امکاناتی برای‌یك سلسله کشورهای نوبنیاد بوجود آورده است، که‌بدون طی مرحله سرمایه داری و یابدون طی مرحله سرمایه داری قوام یافتهٔ صنعتی، به «هدف غائی» انتقال‌کند. به‌این‌معنی‌که‌راه‌رشدغیر سرمایه‌داری در دوران کنو نی جنبش های آزادیبخش ملی «درحدود معین همان نقش تاریخی‌رابازی میکندکه بروفق قوانین تکا مل اجتما عی میبایست سرمایه داری ایفا نماید. ولی این وظیفه‌درجریان‌تکامل غیرسرمایه‌داری

(ص ۳)

از «ص اول»

امنیت‌عامه...

توده های محروم وستمکش .

در طول تاریخ کشور، پیو سته لبهٔ تیغ حامیان به‌اصطلاح«امن‌عامه» باحدت وفشار هرچه بیشتر، علیه خلق زحمتکش بخصوص علیه آن‌عده از هموطنان شریف، مبارزان را ه آزادی، دموکراسی واستقلال ملی افغانستان بکار افتاده، که در جهت ضد منافع طبقات حاکمه قرار گر فته اند .

تاریخ مبارزات ملی ما مشحون‌از قربانیها وياد کار های شهدای راه آزادی است، که نیرو های سیاه استبداد و استعمار آنانرا بیرحمانه قربان خود سری ها، هو سها ی شخصی ومنافع طبقاتی خود کرده‌اند حا لا نکه با ر ها بما حظه رسیده است که محافل حا کمه سیاسی کشور از جنایت کا را ن، از گروه‌های ظالم وستمگر شهری و محلی، ازطبقات حاکمه از نجاعی، از ملاکین فئودال استثمار گر دهات که حتی دهقانان شریف وزحمتکش کشور را زنده میسوزانند،خصومتی نمیگیر ند .

مرتجعین ومستبدین کشورهمیشه از وجود آن نیرو های وطنپرست وترقی خواه در تشو یش میبا شند که‌آنها مصم‌اندفساد، ظلم‌وستمگری واستثمار غیر انسانی را از کشور ریشه کن سازند وجامعه مرفه و مترقی‌نوین ووواقعاباامن رابنا نهند، زیرا‌موجو دیت این نیروهای رزمنده ومبارز بقا ودوام استبداد، از تجا ع امپر یالیزم، فئودالیزم ، استثمار– استعماری را در کشور مورد تهدید قرار مید هد .

ماین اتهامات بی پایه راکه گویا مبارزات عادلانه مردم درراه احیا ی حقوق شان موجب اخلال امنیت میشود ازریشه رد می نمائیم و معتقدیم که این منافع ستمگرانه طبقات حاکمه ارتجاعی، تجاوز استبداد وارتجاع برآزادیها و حقوق مردم، فقر، مرض، جهل و بیکار ی وشیوه اداره استبدادی است که موجبات اخلال امنیت را فراهم میگرداند وتااین عوامل از طریق مبارزات دمو کراتیك طرد نگردد، تأمین امنیت به شیوه عادلانه امکان نا پذیر خواهد بود .

(بارق شفیعی)

برو پیش برو به نیروی ایما ن ، به‌تلاش‌زانوان، به دوآرنج‌خراشیده
با سر انگشتان خونین
برو ، پیش برو، از یاد مبر ، باید بروی، باید‌بررسی،ازافتادنت‌باك‌نیست
برو تادیگران برونـد . تادیگران‌برسند
بزودی انسانهابحرکت آیند،آنگاه تویك تن نزار نیستی، هزار ها تنی،
ترا اگر درهم شکنند، انسانها راکی توان شکست ؟
شکست تو شکست نیست ، اما پیروزی تو بنیاد پیروزی انسانست
برو ، پیش برو ، ای مرد آینده! **(...)**

از «ص اول»

درکشورهای کمرشد...

در آنکشور ها بمثابه سلاحی برای تحکیم استقلال ملی وپایگاهی برای دستاورد های دموکراتیك ، مورد استفاده خلقها ونیرو های ترقیخواه قرار میگیرد .

سکتور دولتی درافغانستان :

تو ضیح همه جانبه و علمی اینموضوع را به آینده محول میکنیم زیرا این سوالها باید روی حقایق وارقام روشن‌گرددکه : آیا دراقتصاد افغانستان سکتوردولتی تسلط‌دارد؟ آیا تقو یه سکتور دولتی بزرگترین ومؤثرترین عامل وابستگی اقتصادی یا امپریالیسم بشمار میرود؟ آیا علت اصلی فقر ، بیکاری، جهل وبیماری ودشمن عمده سکتوردولتی است ،؟ آیا اقتصاد کشو ر ما «اقتصاد دولتی» آنهم بنام سکتور – دولتی مسما شده میتواند؟ و دها مطلب دیگر . معهذالك ارتجالا ارائه ارقام ذیل گویای این حقیقت است که تا کنون سهم سکتور دولتی درحجم‌کلی تولیدات‌ملی رقم‌ناچیزی‌را نشان میدهد :

ارزش حجم کلی تولیدات صنعتی بشمول تولیدات‌معدنی درسال۱۳۴۵ معادل ۱۲ر۷ ملیارد افغانی، ارزش تولیدات صنایع دستی درین سال ۹ ملیارد افغانی و ارزش پیدا وار زراعتی ۳ر۳۷ ملیارد افغانی ، که مجموع ارزش حجم کلی تو لیدات صنعتی وزراعتی درین سال۵۹ملیارد افغانی میشودکه ازین جمله طبق سنجشهای‌تخمینی سهم‌سکتوردولتی اقتصاد در حدود ۳ ملیارد افغانی میباشد .

هرگاه‌سهم‌سکتوردولتی اقتصادرا در قسمت تجارت نا چیز خارجی و همچنان در قسمت زیر سازی اقتصادی (سرك و مخابرات که علی‌العموم درتمام کشور های جهان جزء وظایف‌عادی دولت بشمارمیرود وهیچ عقل سلیم اجازه نمیدهد که به سکتورخصوصی‌تحویل داده‌شود) خارج بحث بپنداریم ، ارقام با لا بوضاحت نشان میدهد که سهم سکتور دولتی درحجم تولیدات‌ملی (آنهم در قسمت‌صنعتی) بیش ازپنج فیصد نمیباشد .

ارقام فوق‌نشان‌دهندهٔ این‌واقعیت نیز است که در شرایط موجود نظام اقتصادی – اجتماعی‌واوضاع‌سیاسی کشور، مناسبات فئودالی و تجاری بزرگ دلال وابسته به امپریالیسم تسلط کامل دارد، نه سکتور دولتی اقتصاد. بعبارت‌دیگربایه خاطرنشان ساخت که قسمت اعظم عواید‌حاصله ازحجم کلی تولیدات ملی، به طبقه ملاکین بزرگ‌ارضی (ملاکین‌فئودال) ومتحدین وی یعنی‌قشر تجاربزرگ دلال و قشر بورژ وا بیرو کرات و نمایندگی های انحصارات بزرگ سرما یه داری خارجی تعلق میگیرد تابه سکتور دولتی اقتصادوکارگران ودهقانان (مؤلدین واقعی) .

بهمین جهت بجرأت میتوان‌گفت که این ملاکین فئودال ومتحدین آن تجار وابسته به امپریالیسم ومحافل حاکمه سیاسی آ نست که بحیث دشمن عمده خلق وبحیث مانع عمده دربرابر رشد سریع اقتصاد کشور تابه سکتور دولتی اقتصادوکارگران ودهقانان (مؤلدین واقعی) .

ما بادرك شرایط خاص جامعهٔ‌خود و براساس دانش نوین وتجارب کشور های د یگر معتقد یم که سکتور دولتی اقتصاد مساعد ترین ز مینه را برای استفاده از اصول پلا نگذاری اقتصادی و پرورش زحمتکشان برای ادارهٔ‌امور اقتصادی فراهم میسازد واز راه همین‌بخش اقتصاد است‌که دربرابر سرمایه‌های بزرگ خارجی میتوان پیروز مندانه مبارزه کرد، توسعه سکتور دولتی اقتصاد یکی از موضو عات عمدهٔ مبارزه طبقاتی است، چه نیرو های مترقی همواره در راه تحکیم‌وتوسعه این بخش مبارزه میکنند، درحالیکه نیروهای ارتجاعی وامپریالیسم‌برای جلوگیری ازرشدوپی اعتبارجلوه‌دادن آن تلاش میکنند .

سکتور دولتی اقتصاد که پایه اقتصادی دولت دمو کراسیی ملی را تشکیل میدهد، درصورتی تأمین‌شده میتواندکه: تجارت خارجی،مؤسسات انحصاری خا ر جی ، مؤسسات وشرکتهای بزرگ اقتصادی داخلی، بانکها وشرکتهای بیمه ملی گردد، رشته های جدید اقتصاد دولتی‌ایجاد ورشد سرمایه‌داری خصوصی‌محدود شود .

لذا ضروریترین ومبرم تر ین موضوعی‌که برای‌نیروهای‌وطنپرست دموکراتیك و تر فیخواه کشور در شرایط کنونی مطرح میگردد، ریشه کن کردن مناسبات اجتما عی واقتصادی فرتوت فئودالی، ازطریق اتخاذ راه رشد غیر سرمایه داری و تکامل سکتور دولتی اقتصاد، که بهترحل‌خصلت ضد امپریالیستی دارد، بجهت منافع توده های عظیم مردم وتحکیم‌روابط اقتصادی‌وتخنیکی وفرهنگی اقغانستان باکشور های صلحد و ست و بیشرو و است، تا بدینو سیله قیود امپریالیسم وفئودالیسم ازدست وپای نیروهای تولیدی برداشته شود .

جنبش دموکراتیك وملی‌افغانستان یك جنبش ضد امپریالیستی و ضد فئودالی است که محتوی کلی آن- عبارت است‌از: محو بقایای‌استعمار، ریشه کن کردن نفوذ سیا سی و اقتصادی امپریالیسم و انهدام نظامات وبقایای فئودالی و ما قبل فئودالی ، انجام اصلاحات اسا سی ارضی ، رشد و توسعه سر یع صنایع ملی، دموکراسی کردن‌زندگی اجتماعی وبهبودوارتقای سطح‌زندگی مادی وفرهنگی‌مردم وتعقیب‌سیاست خارجی مستقل وصلحجویانه .

اینها وظایف مبرمی استند که برپایه آنها وبرای اجرای آنها،اتحاد جمیع‌نیروهای وطنپرست وترقیخواه کشورما، درجبهه واحد دموکراتیك وملی، که استخوان بندی آنرااتحاد طبقه کارگر ودهقانان تشکیل‌میدهد، امکان پذیر است. **«کاوه»**

هفه خوان چه دوطن‌په دردسوخیږی
ماتری زرځله قربان او صدقه کړی
که سل ځله په مخ‌لویږی‌پورته‌کیږی
چه‌دمرګ‌په‌پوله ناست دی‌لاخوخیږی

از «ص ۲»

راه غیرسرمایه داری ....

جریان‌پرافتخاروبااعتباردموکراتیك- خلق وطن محبوب ما قرار گیرد، درچوکات اصول واخلاق عالی‌مترقی بی‌هراس پیکار خواهیم کرد .

در پایان این بحث مقدماتی پرسشهائی‌را درمیان میگذاریم که آیا دردوران‌کنونی‌جنبش آزادیبخش ملی نفی راه رشد غیر سرمایه داری در کشور ها ی نو بنیاد آسیائی و افریقایی بمعنای تائید راه رشد سرمایه داری نیست؟ آیا تائید راه رشد سرمایه داری درین کشور ها دفاع از سرمایه داری جهانی وکمال مطلو ب انحصارات سرمایه داری وامپریالیسم نیست ؟ ودرنتیجه آیا این کشورهادرصورت تعقیب‌راه‌رشد سرمایه داری پیو سته آما جگاه استثمار نیمه استعماری‌قرارنخواهند گرفت و نقش «دهکده ای درمقیاس جهانی» را ایفا نخواهد کرد؟ آیا امپریالیسم و رژیم های ارتجاعی هوا دار امپریالیسم پیوسته بوسیله ایدئو لو گهای فئودالی وبورژوائی، درکشور های کم رشد از طریق تخریب وبدنام کردن سکتور دولتی اقتصاد درنظر وعمل نمیکوبند؟ آیا کسانیکه راه رشد غیر سرمایه‌داری و سکتور دولتی را ناشیانه و بدون تحلیل علمی میکوبند ، خود حامل نظرات امپریا لیستی و عمال سیاه وزرنگ استعمار نوین نیستند ؟ پاسخ در ست به این سوالها پرده از روی حقایق بر میدارد .

(آمو)

تذکر :

نسبت تر ا کم مضامین توضیح برخی ازلغات‌واصطلاحات... وستون «لحظه ئی بادوستان» درآینده تقدیم می‌شود .